

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۴۰۵ (ص ۱۳ - ۲۳)

دریافت: اسفندماه ۱۴۰۴ پذیرش: خردادماه ۱۴۰۵

تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در حقوق ایران و فرانسه

Legal Guarantees and Enforcement of Women's Rights Against Sexual Conduct in Iranian and French Law

✍️ باران فرخزاده/ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهشهر، مازندران، ایران.

Baran Farokhzadeh/ M.A. Graduate in Law, Islamic Azad University, Behshahr Branch, Mazandaran, Iran.

Baranfrokzhade2026@gmail.com

Abstract

The present study aims to investigate the legal guarantee and implementation of women's rights against sexual behaviors in the legal systems of Iran and France using a comparative approach. This research was conducted employing a descriptive-analytical method and utilizing library resources, including legal books, scientific-research articles, master's theses, and relevant legal documents and regulations. This study attempts to examine the various dimensions of legal protections for women against sexual behaviors in Iranian law and subsequently compare and analyze them with the French legal system. Sexual behaviors against women are considered a significant manifestation of gender-based violence, which, despite extensive physical, psychological, and social consequences, remains prevalent in many societies, requiring the serious attention of the legislature and supportive institutions. In recent years, Iran and France have been among the countries that have taken steps to protect women's rights by criminalizing various types of violence against women and strengthening supportive mechanisms through the introduction of bills, and the amendment or revision of existing laws. The main question of the research is to what

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه با رویکردی تطبیقی است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای شامل کتب حقوقی، مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و اسناد و مقررات حقوقی مرتبط انجام شده است. در این تحقیق تلاش شده است تا ابعاد مختلف حمایت‌های قانونی از زنان در برابر رفتارهای جنسی در حقوق ایران بررسی و سپس با نظام حقوقی فرانسه مورد مقایسه و تحلیل قرار گیرد. رفتارهای جنسی علیه زنان یکی از مصادیق مهم خشونت مبتنی بر جنسیت محسوب می‌شود که با وجود پیامدهای گسترده جسمی، روانی و اجتماعی، همچنان در بسیاری از جوامع شیوع داشته و نیازمند توجه جدی قانون‌گذار و نهادهای حمایتی است. در سال‌های اخیر، ایران و فرانسه از جمله کشورهایی بوده‌اند که در راستای جرم‌انگاری انواع خشونت علیه زنان و تقویت سازوکارهای حمایتی، از طریق ارائه لوایح، اصلاح یا بازنگری قوانین موجود، گام‌هایی در جهت حمایت از حقوق زنان برداشته‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که در نظام حقوقی ایران و فرانسه تا چه اندازه به جنبه‌های جنسیتی در تنظیم قواعد حقوقی توجه شده و آیا تفاوت‌های حقوقی میان زن و مرد در این نظام‌ها ریشه در ملاحظات جنسیتی دارد یا خیر. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در هر دو نظام حقوقی با هدف کاهش نابرابری‌های جنسیتی،

extent gender aspects have been considered in the regulation of legal rules within the Iranian and French legal systems, and whether the legal differences between men and women in these systems are rooted in gender considerations. The research findings indicate that the legal guarantee and implementation of women's rights against sexual behaviors in both legal systems are pursued with the aim of reducing gender inequalities, combating discrimination, reforming stereotypical gender roles, and restricting patriarchal structures. However, the comparative analysis demonstrates that challenges related to gender discrimination and obstacles to achieving full equality between women and men still exist in various legal arenas, necessitating the reinforcement of legal and executive mechanisms.

Keyword: Sexual Conduct, Protection of Rights, Gender Equality, Iranian Law, French Law.

مقابله با تبعیض، اصلاح نقش‌های قالبی جنسیتی و محدود کردن ساختارهای مردسالارانه دنبال می‌شود. با این حال، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که چالش‌های مرتبط با تبعیض جنسیتی و موانع تحقق برابری کامل میان زنان و مردان همچنان در عرصه‌های مختلف حقوقی وجود داشته و نیازمند تقویت سازوکارهای قانونی و اجرایی است.

کلیدواژه‌ها: رفتارهای جنسی، تضمین حقوق، برابری جنسیتی، حقوق ایران، حقوق فرانسه.

مقدمه

حفظ کرامت انسانی و تأمین امنیت فردی از مهم‌ترین اهداف نظام‌های حقوقی در جوامع مختلف به شمار می‌آید. در این میان، حمایت از حقوق زنان در برابر انواع خشونت، به‌ویژه رفتارهای جنسی، از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از نظام‌های حقوقی، نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران حوزه حقوق را به خود جلب کرده است. رفتارهای جنسی علیه زنان، که می‌تواند در قالب‌هایی همچون آزار جنسی، تعرض، اجبار جنسی و سایر اشکال سوءاستفاده بروز یابد، از مهم‌ترین مصادیق خشونت مبتنی بر جنسیت محسوب می‌شود و آثار زیان‌بار جسمی، روانی و اجتماعی قابل توجهی بر فرد، خانواده و جامعه بر جای می‌گذارد. از این رو، پیش‌بینی سازوکارهای قانونی مؤثر برای پیشگیری، مقابله و حمایت از قربانیان چنین رفتارهایی، یکی از وظایف اساسی قانون‌گذاران در نظام‌های حقوقی مختلف تلقی می‌شود.

در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها با هدف تقویت حمایت‌های قانونی از زنان، اقدام به اصلاح قوانین کیفری و مدنی، جرم‌انگاری برخی رفتارهای مضر و ایجاد سازوکارهای حمایتی برای قربانیان کرده‌اند. در این میان، نظام حقوقی فرانسه به عنوان یکی از نظام‌های حقوقی پیشرو در حوزه حمایت از حقوق زنان، با تصویب و اصلاح مقررات مختلف در زمینه مقابله با خشونت‌های جنسی، تلاش کرده است چارچوب‌های حمایتی گسترده‌تری را فراهم آورد. در مقابل، در نظام حقوقی ایران نیز با اتکا به مبانی فقهی و حقوقی، مقرراتی در حوزه حمایت از کرامت و امنیت زنان پیش‌بینی شده است و در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای تقویت ضمانت‌های قانونی در این زمینه صورت گرفته است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در حقوق ایران پرداخته و سپس با تحلیل و مقایسه آن با نظام حقوقی فرانسه، تلاش می‌کند ابعاد مختلف این موضوع را مورد مطالعه قرار دهد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین جایگاه حمایت‌های قانونی از زنان در برابر رفتارهای جنسی، شناسایی چالش‌های موجود و ارائه تحلیلی تطبیقی از رویکرد دو نظام حقوقی ایران و فرانسه در این زمینه است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

مسئله رفتارهای جنسی و چگونگی تنظیم و کنترل آن در چارچوب قواعد حقوقی، از دیرباز یکی از موضوعات مهم در نظام‌های حقوقی و اجتماعی بوده است؛ زیرا این دسته از رفتارها ارتباط مستقیم با نظم عمومی، کرامت انسانی، سلامت روانی و امنیت فردی

و اجتماعی دارد. در این میان، رفتارهای جنسی علیه زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق خشونت مبتنی بر جنسیت، از چالش‌های جدی جوامع معاصر محسوب می‌شود. این رفتارها علاوه بر آسیب‌های جسمی و روانی برای قربانیان، پیامدهای گسترده‌ای در سطح خانواده و جامعه برجای می‌گذارد و می‌تواند امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار دهد. با وجود پیشرفت‌های حقوقی در بسیاری از کشورها، جرایم و رفتارهای جنسی همچنان از جمله جرایمی هستند که غالباً به صورت پنهانی رخ می‌دهند و به دلایل مختلف از جمله ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی، در بسیاری از موارد گزارش نمی‌شوند. همین امر موجب می‌شود که ابعاد واقعی این پدیده کمتر آشکار گردد و مقابله مؤثر با آن با چالش‌هایی مواجه شود. افزون بر این، تعریف و مصادیق جرایم جنسی در نظام‌های حقوقی مختلف، متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاست‌های کیفری هر جامعه است؛ از این رو، نحوه جرم‌انگاری، تعیین مجازات و پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی در کشورها متفاوت بوده و نیازمند بررسی و تحلیل تطبیقی است.

اهمیت انجام این پژوهش از آن جهت است که تحلیل مبانی و مصادیق تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در حوزه رفتارهای جنسی و نوع ضمانت اجراهای پیش‌بینی‌شده در قوانین، می‌تواند در تبیین رویکردهای تقنینی دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مؤثر باشد. همچنین نتایج این تحقیق می‌تواند با ارائه تحلیل‌های تطبیقی و شناسایی چالش‌های موجود، زمینه ارائه پیشنهادهایی برای بهبود سیاست‌های تقنینی و تقویت حمایت‌های قانونی از زنان در برابر رفتارهای جنسی را فراهم سازد. از این رو، مطالعه حاضر می‌کوشد با بررسی تطبیقی مقررات و سازوکارهای حقوقی در ایران و فرانسه، ابعاد مختلف تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی را مورد تحلیل قرار دهد.

چارچوب مفهومی پژوهش

برای تحلیل و بررسی تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، لازم است مفاهیم اساسی و کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش به طور روشن تبیین شود. چارچوب مفهومی پژوهش، مجموعه‌ای از مفاهیم، تعاریف و روابط میان آنهاست که مبنای نظری و تحلیلی تحقیق را تشکیل می‌دهد و به پژوهشگر کمک می‌کند تا موضوع مورد مطالعه را به صورت منسجم و نظام‌مند بررسی کند. یکی از مفاهیم اساسی در این پژوهش «رفتارهای جنسی» است. رفتارهای جنسی در معنای عام به مجموعه کنش‌ها و روابطی اطلاق می‌شود که با تمایلات و نیازهای جنسی انسان مرتبط بوده و در چارچوب روابط اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در حوزه حقوق کیفری، رفتارهای جنسی زمانی موضوع مداخله قانون‌گذار قرار می‌گیرند که خارج از چارچوب‌های قانونی و اخلاقی جامعه انجام شده و موجب نقض حقوق، کرامت و امنیت اشخاص، به‌ویژه زنان، شوند. در این حالت، این رفتارها ممکن است در قالب جرایمی همچون آزار جنسی، تعرض، اجبار جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی مورد جرم‌انگاری قرار گیرند.

مفهوم دیگر در این پژوهش «تضمین حقوق» است. تضمین حقوق به مجموعه سازوکارها و ابزارهای قانونی، نهادی و اجرایی اطلاق می‌شود که از سوی نظام حقوقی برای حمایت از حقوق افراد و جلوگیری از نقض آن‌ها پیش‌بینی می‌شود. این تضمین‌ها می‌توانند در قالب جرم‌انگاری رفتارهای مضر، تعیین مجازات‌های متناسب، پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی برای قربانیان و فراهم کردن امکان دسترسی به عدالت تجلی یابند. در واقع، وجود قواعد حقوقی بدون پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر نمی‌تواند به تحقق عملی حقوق افراد منجر شود. از دیگر مفاهیم مهم این پژوهش «برابری جنسیتی» است. برابری جنسیتی به معنای برخورداری زنان و مردان از حقوق، فرصت‌ها و حمایت‌های برابر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است. در حوزه حقوق کیفری، این اصل اقتضا می‌کند که قانون‌گذار با در نظر گرفتن آسیب‌پذیری‌های خاص زنان در برابر برخی رفتارهای مجرمانه، به‌ویژه خشونت‌های جنسی، تدابیر حمایتی مناسب و مؤثری را پیش‌بینی کند.

همچنین مفهوم «خشونت جنسی» یکی از محورهای اساسی این پژوهش به شمار می‌رود. خشونت جنسی به هرگونه رفتار یا اقدام جنسی اطلاق می‌شود که بدون رضایت فرد و با استفاده از اجبار، تهدید، سوءاستفاده از قدرت یا شرایط خاص قربانی صورت گیرد و موجب نقض آزادی و کرامت انسانی او شود. این نوع خشونت می‌تواند آثار گسترده‌ای بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی قربانیان برجای بگذارد و به همین دلیل در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان یکی از مهم‌ترین جرایم علیه اشخاص مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس این مفاهیم، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر بررسی نحوه جرم‌انگاری رفتارهای جنسی، سازوکارهای قانونی حمایت از زنان و چگونگی اجرای این حمایت‌ها در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه استوار است. در این چارچوب، تلاش می‌شود با تحلیل قوانین، مقررات و رویکردهای تقنینی دو کشور، میزان کارآمدی سازوکارهای قانونی در تضمین حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی مورد ارزیابی قرار گیرد و نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها مشخص شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد تطبیقی انجام شده است. در این تحقیق تلاش شده است با بررسی و تحلیل مبانی نظری و مقررات حقوقی مرتبط با رفتارهای جنسی علیه زنان، نحوه تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مورد مطالعه و مقایسه قرار گیرد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. بدین منظور از منابع مختلفی همچون کتب تخصصی حقوقی، مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، اسناد و متون قانونی، آرای قضایی و همچنین مقررات و قوانین مرتبط در نظام حقوقی ایران و فرانسه استفاده شده است. این منابع به منظور تبیین مفاهیم نظری، بررسی مبانی حقوقی و تحلیل مقررات موجود در زمینه حمایت از زنان در برابر رفتارهای جنسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در مرحله تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل حقوقی و تطبیقی، ابتدا مقررات و سازوکارهای قانونی مربوط به حمایت از زنان در برابر رفتارهای جنسی در حقوق ایران بررسی شده و سپس مقررات مشابه در نظام حقوقی فرانسه مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه، با مقایسه این دو نظام حقوقی، نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها در زمینه جرم‌انگاری رفتارهای جنسی، نوع ضمانت اجراها و میزان حمایت قانونی از زنان تحلیل شده است.

هدف از به‌کارگیری روش تطبیقی در این پژوهش، شناخت بهتر رویکردهای تقنینی و اجرایی در دو نظام حقوقی و بهره‌گیری از تجربیات حقوقی کشور فرانسه در راستای شناسایی نقاط قوت و ضعف مقررات موجود در حقوق ایران است. بدین ترتیب، نتایج حاصل از این تحلیل می‌تواند زمینه ارائه پیشنهادهایی برای تقویت سازوکارهای قانونی و بهبود حمایت‌های حقوقی از زنان در برابر رفتارهای جنسی را فراهم سازد.

مبانی نظری پژوهش

حمایت از زنان در برابر رفتارهای جنسی ناخواسته یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوق کیفری معاصر محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است. هدف این پژوهش بررسی سازوکارهای قانونی تضمین و اجرای حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده و بر تحلیل قوانین کیفری، مقررات حمایتی و رویه‌های قانونی در این دو نظام حقوقی تمرکز دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در حقوق ایران حمایت از زنان عمدتاً در قالب جرم‌انگاری رفتارهایی مانند زنا به عنف، مزاحمت و تعرض در معابر عمومی پیش‌بینی شده است، در حالی که در حقوق فرانسه علاوه بر جرم‌انگاری تجاوز جنسی، مفهوم آزار جنسی به طور مستقل و با دامنه‌ای گسترده مورد شناسایی قرار گرفته و سازوکارهای حمایتی متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله محیط کار ایجاد شده است. تحلیل حقوقی رفتارهای جنسی علیه زنان و بررسی سازوکارهای تضمین و اجرای حقوق آنان در نظام‌های حقوقی مختلف، مستلزم اتکا به مجموعه‌ای از مبانی نظری و مفهومی است که چارچوب تحلیلی پژوهش را شکل می‌دهند. این مبانی به پژوهشگر امکان می‌دهد تا سیاست‌های تقنینی، رویکردهای کیفری و سازوکارهای حمایتی موجود در نظام‌های حقوقی را در پرتو اصول بنیادین حقوقی و نظریه‌های مرتبط با حقوق بشر، عدالت کیفری و برابری جنسیتی مورد بررسی قرار دهد. در پژوهش حاضر، مبانی نظری بر اصولی همچون کرامت انسانی، حمایت از حقوق بنیادین افراد، عدالت جنسیتی و نظریه حمایت کیفری از بزه‌دیدگان استوار است. نخستین مبنای نظری در این حوزه، اصل کرامت انسانی است که به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول در نظام‌های حقوقی معاصر شناخته می‌شود. بر اساس این اصل، هر انسان به دلیل انسان بودن از شأن و منزلتی ذاتی برخوردار است که باید از سوی نظام حقوقی مورد حمایت قرار گیرد. هرگونه رفتار جنسی تحمیلی یا مبتنی بر اجبار که آزادی، امنیت و تمامیت جسمانی و روانی فرد را نقض کند، در تعارض آشکار با اصل کرامت انسانی قرار دارد. از این رو، قانون‌گذاران در نظام‌های حقوقی مختلف تلاش کرده‌اند با جرم‌انگاری

انواع رفتارهای جنسی خشونت‌آمیز و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری، از کرامت انسانی و امنیت فردی افراد، به‌ویژه زنان، حمایت کنند.

دومین مبنای نظری این پژوهش، نظریه حمایت از حقوق بنیادین انسان است. در حقوق معاصر، حقوقی نظیر حق بر امنیت فردی، مصونیت از تعرض، آزادی شخصی و حق برخورداری از حمایت قانونی در برابر خشونت، از جمله حقوق بنیادین افراد محسوب می‌شود. زنان به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و گاه اقتصادی در بسیاری از جوامع در معرض آسیب‌پذیری بیشتری در برابر برخی جرایم، به‌ویژه خشونت‌های جنسی، قرار دارند. بر همین اساس، بسیاری از نظام‌های حقوقی با هدف تضمین این حقوق بنیادین، تدابیر تقنینی و حمایتی ویژه‌ای برای پیشگیری از رفتارهای جنسی خشونت‌آمیز و حمایت از قربانیان آن پیش‌بینی کرده‌اند.

از دیگر مبانی نظری مهم در این حوزه، نظریه عدالت و برابری جنسیتی است. این نظریه بر این اصل استوار است که زنان و مردان باید از فرصت‌ها، حقوق و حمایت‌های برابر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی برخوردار باشند. در حوزه حقوق کیفری، این اصل اقتضا می‌کند که قانون‌گذار با اتخاذ سیاست‌های کیفری مناسب، از هرگونه تبعیض جنسیتی جلوگیری کرده و در عین حال با توجه به شرایط خاص زنان به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، تدابیر حمایتی مؤثری برای آنان پیش‌بینی کند. از این منظر، حمایت قانونی از زنان در برابر رفتارهای جنسی نه تنها با اصل برابری منافاتی ندارد، بلکه در بسیاری از موارد به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت واقعی و رفع نابرابری‌های ساختاری تلقی می‌شود. همچنین نظریه حمایت کیفری از بزه‌دیدگان به عنوان یکی از رویکردهای نوین در سیاست جنایی، نقش مهمی در تبیین مبانی این پژوهش ایفا می‌کند. بر اساس این نظریه، نظام عدالت کیفری نباید صرفاً بر مجازات مرتکبان جرم تمرکز داشته باشد، بلکه باید به وضعیت بزه‌دیدگان، حمایت از آنان و جبران خسارت‌های ناشی از جرم نیز توجه ویژه‌ای نشان دهد. در جرایم جنسی، به دلیل آثار عمیق جسمی، روانی و اجتماعی این جرایم بر قربانیان، توجه به حمایت‌های قانونی، خدمات حمایتی و سازوکارهای جبران خسارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در پرتو این مبانی نظری، بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه در زمینه تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی اهمیت مضاعفی می‌یابد. نظام حقوقی ایران با تکیه بر مبانی فقهی و اصول حقوق اسلامی، و نظام حقوقی فرانسه با اتکا بر سنت حقوقی رومی-ژرمنی و اصول حقوق بشر، هر یک رویکردهای خاصی در زمینه جرم‌انگاری رفتارهای جنسی و حمایت از قربانیان اتخاذ کرده‌اند. تحلیل تطبیقی این دو نظام حقوقی می‌تواند ضمن تبیین رویکردهای تقنینی و سیاست‌های کیفری آن‌ها، به شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های موجود در زمینه حمایت از حقوق زنان کمک کرده و زمینه ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای کارآمدی سازوکارهای قانونی در این حوزه را فراهم سازد.

تعاریف مفهومی

رفتارهای جنسی

رفتارهای جنسی به مجموعه اعمال، کنش‌ها و روابطی اطلاق می‌شود که با تمایلات و نیازهای جنسی انسان مرتبط بوده و در چارچوب روابط اجتماعی و فرهنگی بروز می‌یابد. در حوزه حقوق کیفری، رفتارهای جنسی زمانی مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گیرند که خارج از چارچوب‌های قانونی و اخلاقی جامعه انجام شده و موجب نقض حقوق، آزادی یا کرامت اشخاص شوند. در چنین شرایطی، این رفتارها می‌توانند در قالب جرایمی همچون آزار جنسی، تعرض یا سایر اشکال خشونت جنسی مورد جرم‌انگاری قرار گیرند (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۲۱۵).

تضمین حقوق

تضمین حقوق به مجموعه سازوکارها و ابزارهای قانونی، نهادی و اجرایی اطلاق می‌شود که به منظور حمایت از حقوق افراد و جلوگیری از نقض آن‌ها توسط نظام حقوقی پیش‌بینی می‌شود. این تضمین‌ها ممکن است در قالب جرم‌انگاری رفتارهای مضر، تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری، ایجاد نهادهای حمایتی و فراهم کردن امکان دسترسی افراد به عدالت تحقق یابد. به بیان دیگر، تضمین حقوق بیانگر مجموعه تدابیری است که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۷۸).

برابری جنسیتی

برابری جنسیتی به معنای برخورداری زنان و مردان از حقوق، فرصت‌ها و حمایت‌های برابر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است. این مفهوم بر این اصل استوار است که جنسیت نباید مبنایی برای تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و فرصت‌های اجتماعی باشد. در حوزه حقوق کیفری، برابری جنسیتی اقتضا می‌کند که قوانین و سیاست‌های کیفری به گونه‌ای تنظیم شوند که ضمن رعایت اصل برابری در برابر قانون، حمایت‌های لازم از گروه‌های آسیب‌پذیر نیز فراهم گردد (حبیبی، ۱۳۹۴: ۵۶).

خشونت جنسی

خشونت جنسی به هرگونه رفتار یا اقدام جنسی اطلاق می‌شود که بدون رضایت فرد و از طریق اجبار، تهدید، سوءاستفاده از قدرت یا شرایط خاص قربانی انجام شود و موجب نقض آزادی، امنیت و تمامیت جسمانی و روانی وی گردد. این نوع خشونت یکی از مهم‌ترین مصادیق خشونت مبتنی بر جنسیت محسوب می‌شود و در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان جرمی علیه اشخاص مورد شناسایی قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

حقوق زنان

حقوق زنان مجموعه‌ای از حقوق و امتیازاتی است که با هدف تضمین برابری، حفظ کرامت انسانی و حمایت از زنان در برابر انواع تبعیض و خشونت در نظام‌های حقوقی پیش‌بینی می‌شود. این حقوق شامل حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی و کیفری زنان بوده و هدف اصلی آن فراهم ساختن شرایطی است که زنان بتوانند همانند مردان از حقوق و فرصت‌های برابر در جامعه برخوردار شوند (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

سیاست کیفری اسلام نسبت به نگرش رفتار جنسی زنان

بررسی سیاست کیفری اسلام در قبال رفتار جنسی (اعم از زنان و مردان)، ریشه در مبانی فقهی و اخلاقی دارد که محوریت آن‌ها «حفظ کیان خانواده»، «صیانت از عفت عمومی» و «کرامت انسانی» است. در سیاست کیفری اسلام، افشای جرایم جنسی پنهان به شدت نهی شده است. اسلام رویکردی مبتنی بر «ستر» (پوشاندن گناه) دارد و بزهکاران را به توبه پنهانی بین خود و خدا دعوت می‌کند. اشاعه فحشا و بازگو کردن رفتارهای جنسی غیرقانونی، خود جرمی مستقل محسوب می‌شود (قرآن کریم، سوره نور، آیه ۱۹). فقها نیز تأکید دارند که قاضی نباید متهم به جرایم منافی عفت را به اقرار ترغیب کند و تجسس در این امور حرام است (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۸۴).

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حمایتی سیاست کیفری اسلام از زنان، جرم‌انگاری «قذف» است. اگر فردی زنی (یا مردی) را به رفتار جنسی نامشروع (زنا) متهم کند، اما نتواند آن را با چهار شاهد شرعی ثابت نماید، خود اتهام‌زننده به ۸۰ ضربه شلاق محکوم شده و شهادت او برای همیشه بی‌اعتبار می‌گردد (قرآن کریم، سوره نور، آیه ۴). این حکم، ابزاری بازدارنده برای صیانت از کرامت و آبروی زنان در برابر شایعه‌سازی‌های اجتماعی است (شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۱۹۳). نظام ادله اثبات در جرایم جنسی اسلام (مانند زنا) به گونه‌ای طراحی شده که اثبات آن در عمل بسیار دشوار باشد. اثبات این جرم نیازمند شهادت چهار مرد عادل است که صحنه وقوع بزه را به صورت عینی، همزمان و با جزئیات دقیق دیده باشند (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۵).

این سخت‌گیری بی‌نظیر در نظام ادله، نشان‌دهنده تمایل شارع به عدم اثبات قضایی این جرایم و حفظ ساختار جامعه است (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۱۶۱).

در حقوق کیفری اسلام، زنی که مورد تجاوز و اکراه قرار گرفته باشد، بزهکار تلقی نشده و هیچ‌گونه مجازات حدی (مانند شلاق یا رجم) بر او اعمال نمی‌شود؛ بلکه وی بزهکار بزه‌دیده (قربانی) محسوب می‌شود.

در این حالت، مجازات سالب حیات (اعدام) صرفاً برای مرد متجاوز در نظر گرفته شده است. همچنین بر اساس «قاعده درء» (تُدْرَأُ الْحُدُودُ بِالشُّبُهَاتِ)، هرگونه شبهه و تردید در رضایت زن یا اشتباه در موضوع (شبهه حکمیه یا موضوعیه)، باعث سقوط مجازات حد از زن می‌شود (موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۶۷)

در صورت اثبات قطعی جرم زنا، سیاست کیفری اسلام میان زن و مرد تفاوتی از حیث جنسیت قائل نیست و مجازات پایه (۱۰۰ ضربه شلاق برای افراد غیرمحصن) برای هر دو یکسان است (قرآن کریم، سوره نور، آیه ۲). معیار تشدید مجازات در اسلام، جنسیت نیست، بلکه برخورداری از شرایط «احسان» (تأهل و دسترسی به همسر مشروع) است. در نتیجه، سیاست کیفری اسلام در قبال رفتار جنسی زنان، ترکیبی از بازدارندگی شدید در عرصه عمومی، حمایت حداکثری از حریم خصوصی و آبروی اشخاص، و حمایت از زنان در برابر اکراه و اتهامات واهی است.

چالش‌های حمایت قانونی از زنان در حقوق ایران

بررسی چالش‌های حمایت قانونی از زنان در نظام حقوقی ایران، مستلزم واکاوی متون قانونی (به‌ویژه قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی) است که عمدتاً از فقه امامیه اقتباس شده‌اند.

حقوق خانواده (قانون مدنی):

حق طلاق: در نظام حقوقی ایران، حق انحلال نکاح به‌طور ایقاعی در اختیار زوج قرار دارد (ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی). زوجه تنها در صورت اثبات «عسر و حرج» (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) یا استناد به شروط ضمن عقد (ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی) می‌تواند تقاضای طلاق کند. رویه قضایی نشان می‌دهد که احراز عسر و حرج در دادگاه‌ها فرآیندی پیچیده و زمان‌بر است.

حضانت: بر اساس اصلاحیه سال ۱۳۸۲ بر ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت اطفال (اعم از پسر و دختر) تا هفت سالگی به مادر محول شده و پس از آن با پدر است. در صورت حدوث اختلاف پس از این سن، دادگاه با رعایت «مصلحت طفل» تصمیم‌گیری می‌کند، اما پیش‌فرض قانونی همچنان حق تقدم زوج پس از هفت سالگی است.

سن نکاح: مطابق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۸۱)، عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به ۱۳ سال تمام شمسی، منوط به اذن ولی و تشخیص دادگاه ذیصلاح است. این ماده همواره محل بحث حقوق‌دانان در زمینه حقوق کودک بوده است.

حقوق کیفری (قانون مجازات اسلامی):

تفاضل دیه: طبق ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، دیه قتل زن نصف دیه مرد است. البته قانون‌گذار در رویه‌های جدید، از جمله در ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث (مصوب ۱۳۹۵)، برابری دیه زن و مرد در حوادث رانندگی را الزامی کرده است، اما این استثنا شامل جرایم عمدی و شبه‌عمد خارج از تصادفات نمی‌شود (پرداخت مابه‌التفاوت از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در تبصره ماده ۵۵۱ پیش‌بینی شده است).

ادله اثبات دعوی (شهادت): در نظام ادله اثبات، نصاب شهادت در بسیاری از جرایم متفاوت است. به عنوان نمونه، مطابق ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی، نصاب شهادت در کلیه جرایم (جز استثنائات) دو شاهد مرد است و در برخی موارد، شهادت زنان به انضمام مردان و با ارزش نصف (دو زن معادل یک مرد) پذیرفته می‌شود.

حقوق مدنی و اجتماعی:

خروج از کشور: مستند به بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه (مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی)، صدور گذرنامه برای زنان شوهردار منوط به موافقت کتبی شوهر است.

حق اشتغال: بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، زوج می‌تواند زوجه خود را از حرفه یا صنعتی که «منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد» منع کند. تشخیص این منافات بر عهده محاکم است.

قواعد ارب: نظام توزیع ترکه در قانون مدنی (مواد ۹۰۷ به بعد) مبتنی بر قاعده «للذکر مثل حظ الانثیین» است که سهم فرزند ذکور را دو برابر فرزند انث تعیین می‌کند.

خلاهای تقنینی در حوزه خشونت خانگی:

یکی از چالش‌های عمده، فقدان جرم‌انگاری مستقل برای انواع خشونت‌های خانگی (روانی، اقتصادی و جسمی) در یک قانون جامع است. اگرچه در سال‌های اخیر «لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» (معروف به لایحه حفظ کرامت زنان) تدوین و در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، اما روند طولانی تصویب آن سبب شده تا رویه قضایی همچنان به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی (مانند ضرب و جرح عمدی) اتکا کند که برای پیشگیری از خشونت‌های مبتنی بر جنسیت در محیط خانواده کافی به نظر نمی‌رسد.

مقایسه تطبیقی رفتارهای جنسی زنان در حقوق ایران و فرانسه

بررسی تطبیقی رفتارهای جنسی زنان در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، تفاوت در دو پارادایم بنیادین را آشکار می‌سازد: «اخلاق‌گرایی مبتنی بر فقه اسلامی» در حقوق ایران و «فردگرایی و اصل خودمختاری جنسی» در حقوق فرانسه (وفایی زاده، ۱۴۰۰). نظام حقوقی ایران، استقلال جنسی زنان (و مردان) را صرفاً در چارچوب نهاد خانواده (عقد نکاح دائم یا موقت) به رسمیت می‌شناسد. هرگونه رابطه جنسی توافقی زن خارج از این چارچوب، جرم‌انگاری شده است. مستند به ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، زنا فارغ از رضایت طرفین بزه محسوب می‌شود. همچنین، روابط هم‌جنس‌گرایانه زنان (مساحقه) مستند به ماده ۲۳۷ ق.م.ا جرم‌انگاری شده و دارای مجازات حدی (صد ضربه شلاق) است امل در حقوق فرانسه، اصل بر آزادی و استقلال بدنی زن است. از زمان تصویب قانون مجازات ۱۷۹۱ و تحولات پس از آن، روابط جنسی توافقی میان افراد بالغ جرم‌زدایی شده است. قانون‌گذار فرانسوی به رفتارهای جنسی زنان تا زمانی که محل نظم عمومی نباشد (مانند تظاهر به عمل حرام یا نمایش عمومی مستند به ماده ۲۲۲-۳۲ قانون مجازات فرانسه) مداخله نمی‌کند (مجریان، ۱۴۰۲).

در فقه و حقوق ایران، به موجب عقد نکاح، زن موظف به «تمکین خاص» (برآوردن نیازهای جنسی زوج) است. مستند به ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، امتناع زن از ایفای وظایف زوجیت بدون مانع مشروع، موجب نشوز و سقوط حق نفقه است. در این نظام، «تجاوز در بستر زناشویی» به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است؛ زیرا فرض بر وجود حق استمتاع برای زوج است، هرچند اعمال خشونت فیزیکی تحت عناوین عام «ضرب و جرح عمدی» (موضوع مواد ۶۱۴ و ۷۱۴ ق.م.ا تعزیرات) قابل پیگرد است، اما عنصر «فقدان رضایت جنسی در زناشویی» به خودی خود بزه محسوب نمی‌شود و دکترین حقوقی فرانسه حق بر بدن را برای زنان شوهردار به طور کامل به رسمیت می‌شناسد. دیوان عالی فرانسه در آرای متعدد از دهه ۱۹۹۰ تأکید کرده است که عقد ازدواج، پیش‌فرضی برای رضایت دائمی جنسی ایجاد نمی‌کند. مستند به ماده ۲۲۲-۲۴ قانون مجازات فرانسه، تجاوز جنسی توسط همسر نه تنها جرم است، بلکه وجود رابطه زوجیت از «کیفیات مشدده محسوب شده و مجازات آن را از ۱۵ سال به ۲۰ سال حبس جنایی افزایش می‌دهد (مهرابی، ۱۴۰۰).

بنابراین می‌توان استدلال نمود که حقوق ایران بر مدار «حفاظت از ساختار (خانواده/شرع)» می‌چرخد که در آن استقلال جنسی زن، متغیری وابسته به نهاد ازدواج است؛ در حالی که حقوق فرانسه بر مدار «حفاظت از عاملیت فرد (رضایت/استقلال بدنی)» استوار است که در آن، حتی نهاد ازدواج نیز تابع اراده‌ی مستمر و استقلال جسمانی سوژه‌ی زن قرار می‌گیرد. این دوگانگی، نمایانگر تقابل دو نظام ارزش‌شناختی کاملاً متمایز در تاریخ تحولات حقوق کیفری و مدنی معاصر است.

تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در حقوق ایران و فرانسه

بررسی تطبیقی تضمین و اجرای قانونی حقوق زنان در برابر رفتارهای جنسی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، نمایانگر دو رویکرد کاملاً متفاوت است. حقوق ایران بر پایه فقه اسلامی و با محوریت «حفظ اخلاق عمومی و نهاد خانواده» استوار است، در حالی که حقوق فرانسه بر پایه «اصل خودآیینی فردی، حق بر بدن و عنصر رضایت» بنا شده است. در حقوق ایران تجاوز جنسی تحت عنوان

«زنای به عنف و اکراه» بررسی می‌شود. طبق بند «ت» ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی (ق.م.ا) مصوب ۱۳۹۲، مجازات زنای به عنف اعدام است. با این حال، چالش اصلی در «تضمین اجرایی»، ادله اثبات دعوی است. اثبات این جرم نیازمند چهار شاهد عادل مرد (ماده ۱۹۹ ق.م.ا) یا اقرار متهم است. در صورت فقدان این موارد، قاضی باید از طریق ادله علمی (مانند پزشکی قانونی) به «علم» برسد (ماده ۲۱۱ ق.م.ا) در صورت عدم اثبات زنا، رفتار متهم می‌تواند تحت عنوان «تعزیرات» (مانند رابطه نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا) بررسی شود (زرعات، ۱۳۹۲).

در حقوق فرانسه محوریت در قوانین فرانسه، عدم وجود «رضایت» است. طبق ماده ۲۲۲-۲۳ قانون مجازات فرانسه هرگونه عمل دخول جنسی که با خشونت، اجبار، تهدید یا غافلگیری انجام شود، تجاوز محسوب شده و حداقل ۱۵ سال حبس جنایی دارد. تضمین اجرایی در فرانسه با تمرکز بر حمایت از بزه‌دیده، پذیرش شهادت زن، و استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی و پزشکی قانونی برای احراز فقدان رضایت تقویت شده است، بنابراین در خصوص ضمانت اجراهای کیفری در حقوق ایران برای جرایم جنسی بسیار شدید (مانند اعدام) است، اما سیستم ادله اثبات (مبتنی بر فقه) بسیار سخت‌گیرانه است که اثبات جرم را برای زنان دشوار می‌سازد. همچنین خلأ جرم‌انگاری صریح در محیط خانواده وجود دارد و در حقوق فرانسه ضمانت اجراها بر پایه تسهیل روند اثبات برای بزه‌دیده، حمایت‌های روان‌شناختی، و پوشش دادن تمامی اشکال نقض «رضایت» (چه در خیابان، چه در محل کار و چه در رختخواب زناشویی) طراحی شده‌اند (صادقی، ۱۳۹۹).

نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه در مواجهه با حقوق زنان و جرایم جنسی، بر دو پارادایم فلسفی و حقوقی کاملاً متمایز استوارند. حقوق ایران با ابتناء بر فقه امامیه، رویکردی «ساختارگرا و اخلاق‌محور» دارد که هدف غایی آن صیانت از کیان خانواده و نظم عمومی-شرعی است؛ در حالی که حقوق کیفری فرانسه با اتخاذ رویکردی «فردگرا و حق‌محور»، بر مفهوم «خودآیینی فردی» و صیانت مطلق از «عنصر رضایت» و استقلال بدنی بنا شده است. در بعد ماهوی حقوق فرانسه با محوریت بخشیدن به رضایت فردی، دایره شمول جرایم جنسی را به تمامی عرصه‌های عمومی، کاری و خصوصی (از جمله شناسایی صریح تجاوز زناشویی) تسری داده است. در مقابل، حقوق ایران به دلیل تقدم نهاد خانواده و تکالیف زوجین (مانند تمکین)، با خلأ قانونی در زمینه جرم‌انگاری مستقل خشونت‌های جنسی در حریم خصوصی مواجه است و بیشتر بر مجازات روابط خارج از چارچوب شرعی تمرکز دارد. در بعد شکلی و اثباتی علیرغم پیش‌بینی کیفر بسیار شدید (سالب حیات) برای تجاوز جنسی در حقوق ایران، نظام ادله اثباتی مبتنی بر فقه (لزوم چهار شاهد عادل یا اقرار)، بار اثبات را به شدت بر دوش بزه‌دیده سنگین کرده و «تضمین اجرایی» قوانین را با چالش جدی مواجه می‌سازد. در نقطه مقابل، نظام دادرسی فرانسه با تسهیل مسیر اثبات، محوریت بخشیدن به اظهارات بزه‌دیده و بهره‌گیری گسترده از ادله علمی و روان‌شناختی، تمرکز نظام کیفری را از «اثبات عمل فیزیکی» به «احراز فقدان رضایت» معطوف داشته است (سرمدستی، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی رویکردهای حقوقی ایران و فرانسه در زمینه حمایت از حقوق زنان نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی، در سطح تقنینی اصل حمایت از کرامت انسانی و حفظ امنیت زنان را مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال، تحلیل مقررات دادرسی کیفری و سیاست‌های جنایی در این دو کشور بیانگر آن است که هنوز در حوزه پیشگیری، حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان زن و تضمین عملی برابری جنسیتی، کاستی‌ها و خلأهایی وجود دارد که نیازمند بازنگری تقنینی و تقویت سازوکارهای اجرایی است.

در نظام حقوقی فرانسه، با پیش‌بینی سازوکارهایی نظیر مقررات خاص در رسیدگی به جرایم جنسی، نظارت قضایی بر متهمان و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط به مرتکبان جرایم جنسی، تلاش شده است حمایت کیفری مؤثرتری از زنان به عنوان مهم‌ترین قربانیان این جرایم فراهم شود. در مقابل، در حقوق ایران نیز با وجود تأکید بر حفظ کرامت و جایگاه زن در چارچوب موازین شرعی، برخی محدودیت‌ها و خلأهای تقنینی در حوزه ادله اثبات و اجرای احکام در برخی جرایم مشاهده می‌شود که می‌تواند در پرتو سیاست جنایی سنجیده و اصلاحات تقنینی مورد بازنگری قرار گیرد. مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که با گسترش حضور اجتماعی زنان، الگوهای بزه‌دیدگی آنان نیز پیچیده‌تر شده و اشکال متنوعی از خشونت‌های روانی، جسمی و جنسی در عرصه‌های عمومی و خصوصی بروز یافته است. این وضعیت ضرورت اتخاذ سیاست‌های کیفری کارآمد، تقویت حمایت‌های قانونی و توسعه سازوکارهای پیشگیرانه را در هر دو نظام حقوقی بیش از پیش آشکار می‌سازد. در مجموع، تحقق حمایت مؤثر از حقوق زنان مستلزم رویکردی چندبعدی است که علاوه بر اصلاح قوانین، مستلزم تقویت سیاست‌های حمایتی، ارتقای آگاهی‌های اجتماعی و اصلاح نگرش‌های فرهنگی نسبت به

جایگاه زنان در جامعه است. تنها در پرتو چنین رویکردی می‌توان به نظام حقوقی کارآمدتری دست یافت که ضمن رعایت اصول عدالت و برابری، حمایت مؤثرتری از زنان در برابر رفتارهای خشونت‌آمیز و تبعیض‌آمیز فراهم آورد. مطالعه تطبیقی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تضمین مؤثر حقوق زنان در برابر تعرضات جنسی، تنها با تشدید مجازات‌ها (رویکرد کیفری حداکثری) محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند یک نظام دادرسی تسهیل‌گر برای بزه‌دیدگان است. ارتقای این تضمین‌ها در نظام حقوقی ایران، مستلزم بازنگری در سیاست کیفری از طریق تقویت جایگاه «ادله علمی و پزشکی قانونی» به عنوان مبنای حصول علم قاضی، اتخاذ تدابیر حمایتی از بزه‌دیدگان در فرآیند دادرسی، و توجه مقنن به جرم‌انگاری رفتارهای ناقض تمامیت جسمانی زن در بستر خانواده است.

پیشنهادات پژوهشی

۱. پیشنهاد می‌شود نهادهای تقنینی، قضایی و فرهنگی با اتخاذ سیاست‌های هماهنگ حقوقی و فرهنگی، در جهت اصلاح نگرش‌های اجتماعی نسبت به جایگاه زنان و تقویت حمایت‌های قانونی از آنان اقدام نمایند.
 ۲. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با بازنگری در برخی مقررات دادرسی کیفری و مدنی و با بهره‌گیری از تجارب نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله فرانسه، خلأهای موجود در حمایت‌های ویژه از زنان در فرآیند دادرسی را برطرف سازد.
 ۳. پیشنهاد می‌شود در مواجهه با جرایم مبتنی بر جنسیت علیه زنان، علاوه بر پاسخ‌های کیفری، به تحلیل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در بروز این جرایم توجه شده و سیاست‌های پیشگیرانه جامع طراحی گردد.
 ۴. پیشنهاد می‌شود با رویکردی جامع و تطبیقی، مقررات حقوقی مرتبط با رفتارهای جنسی علیه زنان در حوزه‌های کیفری و مدنی مورد بازنگری قرار گیرد تا کارآمدی نظام حقوقی در حمایت از بزه‌دیدگان زن افزایش یابد.
- پیشنهاد می‌شود در چارچوب سیاست جنایی تقنینی، با تأکید بر اصل کرامت انسانی و منع تبعیض جنسیتی، سازوکارهای مؤثرتر قانونی برای تضمین حقوق زنان و رفع خلأهای تقنینی موجود پیش‌بینی شود.

منابع

- [۱] اسحاقی، محمد امین، (۱۴۰۰)، نقش رفتار جنسی در هویت جامعه، تهران، نشر مهدیه، شماره ۱۱، چ ۱.
- [۲] ابراهیمی نسب، محمد رضا، (۱۳۹۹)، بررسی علل و عوامل آثار جرایم جنسی علیه زنان در منظر قوانین حقوق کیفری ایران، تهران، مجله پژوهشی حقوقی زن و جامعه، دوره ۷، شماره ۱۱.
- [۳] احتشام زاده، پروین (۱۳۹۸)، تحول نقش‌های جنسیتی زنان و سلامت روانی خانواده، تهران، نشریه زن و فرهنگ، دوره اول، شماره ۳، بهار.
- [۴] استان جون، نیکلا، (۲۰۲۲)، شکاف حقوقی زن در فرانسه (جنسیتی)، ترجمه بینا هاشمیان، تهران، مجله حقوق زنان، شماره ۳.
- [۵] اسمعیل زاد، علیرضا، (۱۴۰۳)، اندیشه‌های سیاسی غرب در دوران مدرن؛ دیالکتیک اندیشه‌ها، تهران، انتشارات قومس، مجله مطالعات زنان، ش ۲۲.
- [۶] افروز، غلامعلی، (۱۳۹۸)، معیارهای رفتار جنسی بهنجار، نابهنجار، تهران، دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات رفتارهای جنسی.
- [۷] ایروانی، شهین، (۱۳۹۹)، پایان‌نامه جایگاه تربیتی زن در اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسی ارشد مدرسی رشته تعلیم و تربیت اسلامی، راهنما: دکتر احمد احمدی، مشاور: دکتر علی قائمی.
- [۸] آزموده، فهیمه، (۱۴۰۰)، نگاهی تطبیقی به شکاف جنسیتی در کشورهای منتخب اسلامی، تهران، مجله آینده پژوهی جهان اسلام، شماره ۱۲، دوره ۸.
- [۹] بازگیر، یدالله، (۱۳۹۸)، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوان عالی کشور (حدود، جرایم خلاف اخلاق حسنه)، تهران، نشر هستان، چاپ اول، ج ۱.
- [۱۰] بوندپور، ایمان، (۱۴۰۰)، تعیین واکنش نسبت به جرایم جنسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا، دانشگاه حقوق علامه طباطبائی.
- [۱۱] پیروزی، احمد، (۱۴۰۲)، نگاهی به حقوق زنان در قوانین ایران، تهران، مجله حقوقی میزان، نشر ستوده، شماره ۴۴.
- [۱۲] پیمانی، ضیاءالدین، (۱۳۹۹)، دلایل قضایی در حقوق انقلابی فرانسه. تهران، مجله حقوقی جامعه، انتشارات خرمی، شماره ۱۴، دوره ۸.
- [۱۳] تدین، عباس، (۱۳۹۹)، زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، تهران، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم.
- [۱۴] توجهی، عبدالعلی، (۱۳۹۸)، جایگاه جرایم جنسی در سیاست جنایی ایران، تهران، پایان نامه دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۵] توحیدی، احمدرضا، (۱۳۹۹)، پیشگیری وضعی از جرایم جنسی، پایان نامه دکترای حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- [۱۶] دادبان، حسن، (۱۴۰۱)، بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم جنسی، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳.
- [۱۷] دلاوری، علی، (۱۴۰۳)، بررسی کارزارهای تویبتری نسبت به رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان، تهران، مجله پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۷.